

# کمک خارجی، محبت بیگانه‌ها

منبع: اکونومیست ۷ مه ۱۹۹۴.  
ترجمه: کاملیا احتشامی اکبری



اگر قرار باشد فردی در مورد فلسفه کمک‌های خارجی قضاوت کند، بهتر است نحوه توزیع این کمک‌ها را نادیده بگیرد، چرا که ممکن است کاملاً ناامید شود! در واقع، ثروتمندترین کشورهای جهان سوم، دو برابر فقیرترین این گروه از کشورها کمک دریافت می‌کنند. میزان دریافت کمک سرانه کشورهای که مخارج سنگین نظامی دارند، دو برابر کشورهای است که سیاست مسالمت آمیز در پیش می‌گیرند. به طور مثال، السالوادور پنج برابر بنگلادش کمک دریافت می‌کند و این در حالی است که بنگلادش ۲۴ برابر السالوادور جمعیت دارد و پنج برابر نیز فقیرتر است.

از سال ۱۹۶۰، حدود ۱/۴ تریلیون دلار (به قیمت دلار سال ۱۹۸۸) به صورت کمک به سمت کشورهای فقیر سرازیر شده است. اما اطلاع زیادی در خصوص دست‌آورد‌های این انتقال مالی در دست نیست. آیا این پول فقر را ریشه کن کرده است؟ آیا کشورهای دریافت کننده شاهد رشد فزاینده بوده‌اند؟ این قبیل سوالات با توجه به سیاست اخیر کشورهای پیشرفته در جهت کاهش هزینه‌ها، اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. امسال، دو بازیگر عمده در عرصه کمک‌های بین‌المللی به بازنگری اهداف و اولویتهای خود خواهند پرداخت.

«برایان اتوود»، که توسط دولت کلینتون جهت اداره آژانس بین‌المللی توسعه منصوب شده است، سازمانی را به ارث برده که طی سالیان متمادی ۳۳ هدف رسمی برای خود تعیین کرده و درصد استفاده از کمک‌های مالی در جهت جذب تعهد سیاسی جهان سوم بوده است. در حال حاضر، با توجه به کاهش بودجه، اهداف این

ارزیابی قرار می‌دهند. سایر وام‌دهندگان که دچار کاهش بودجه شده‌اند، باید در مورد توقف برخی از فعالیتهای خود تصمیم‌گیری کنند. در دهه ۱۹۸۰ مبلغ برنامه موسوم به «کمک به توسعه رسمی» که توسط یکی از کمیته‌های وابسته به سازمان توسعه اقتصادی اروپا اعطاء می‌شود به میزان یک چهارم افزایش یافت. اما در سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۲ این نرخ رشد تنها معادل ۵/۰٪ بود. گروه موسوم به «ابتکارهای توسعه» در انگلستان معتقد است که شاهد پایان یک دوره تاریخی هستیم و نرخ کمک‌های مالی در سراسر جهان متوقف شده است. تنها استثناء، ژاپن است که یک پنجم کمک‌های سازمان توسعه اقتصادی را متقبل شده و تصمیم دارد این کمک‌ها را ظرف ۵ سال آینده افزایش دهد. بودجه بسیاری از سازمانهای چندجانبه، از قبیل آژانسهای سازمان ملل متوقف شده است. صندوق توسعه اروپا یکی از موارد استثنایی است که در حال جذب سهم چشمگیری از بودجه کشورهای عضو اتحاد اروپاست. اما منسوخ مرموزانه این سازمان و شهرت نه چندان مطلوبی که نزد کشورهای دریافت کننده دارد، باعث شده برخی از اعطاءکنندگان از وضعیت کنونی خشنود نباشند. به گفته یک متخصص انگلیسی، «مقامات انگلستان از اینکه می‌باید سهم بیشتری از کمک‌ها را به این صندوق واگذار کنند خشنود نیستند».

برخی از کشورهای در حال توسعه - به ویژه آن دسته که رشد سریعتری دارند به مثابه «بازارهای در حال ظهور» تلقی می‌شوند - دریافت‌دهنده که بازارهای سرمایه بین‌المللی محل مناسبتری برای جذب پول است. با این وجود، تقاضا برای «کمک به توسعه رسمی» به اشکال و توسط کشورهای جدیدی مطرح می‌شود. آن گروه از کشورهای زیرک، به پروژه‌های قدیمی جنبه محیط زیستی می‌دهند تا بدین طریق حمایت مالی جلب کنند. کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق با کشورهای جهان سوم بر سر دریافت کمک رقابت شدیدی را در پیش گرفته‌اند. نسبت کمک‌های دریافتی در مورد فجایع محیط زیستی ظرف ۵ سال از ۲٪ به حدود ۷٪ افزایش یافته است.

با این وجود، هیاو به منظور دریافت پول بیشتر موجب افزایش تردید در خصوص اهداف و دست‌آورد‌های کمک‌ها شده است. مالیات دهنده ساده‌لوح ممکن است تصور کند هدف عمده کمک‌ها نابودی فقر بوده، اما در عمل سهم ناچیزی از «کمک به توسعه رسمی» به فقیرترین کشورها و

سازمان به ۴ مورد تقلیل یافته است: ترویج دموکراسی، محافظت از محیط زیست، حمایت از استمرار توسعه اقتصادی و تشویق کنترل جمعیت.

چند خیابان آن طرفتر از دفتر آقای اتوود در واشنگتن، بانک جهانی نیز تجربه مشابهی را آغاز کرده است. این بانک که در سال ۱۹۴۶ ایجاد شد، قدرتمندترین سازمان توسعه چند جانبه محسوب می‌شود. یک گزارش انتقادآمیز داخلی حاکی است که این بانک بیشتر بر اعطای وام تمرکز داشته است تا نظارت بر نحوه هزینه آن. در حال حاضر این بانک مشغول بهبود کیفیت نظام اعطای وام خود است و شکل فعالیتهای آتی خود را نیز مورد بررسی قرار داده است. برخسی از دریافت‌کنندگان وام در آسیا به حدی ثروتمند شده‌اند که خود می‌توانند به جرگه وام‌دهندگان بپیوندند. بانک جهانی در نظر دارد در زمینه‌هایی از قبیل ترمیم محیط زیست و ایجاد نظامهای رفاه اجتماعی فعال شود، اما معلوم نیست که خود به عنوان یک سازمان تاجه مدت مورد نیاز باشد.

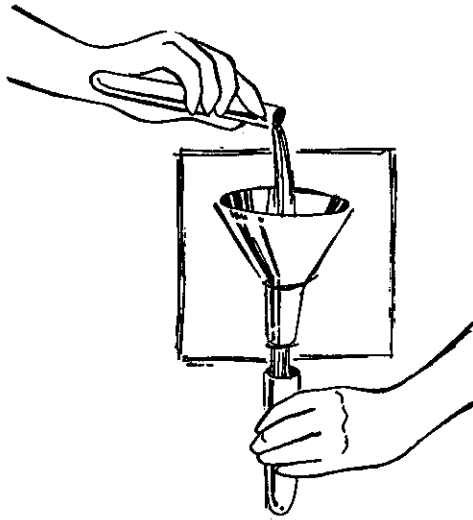
آژانس بین‌المللی توسعه و بانک جهانی بیش از آنچه که تصور می‌شود عملکرد خود را مورد

با پروژه‌های مربوط به فقیرترین مردم هدایت می‌شود. مطالعه‌ای در مورد برنامه کمک امریکا که توسط شورای توسعه جهانی انجام شده، حاکی است که به طور سرانه بیش از ۲۵۰ دلار به سمت کشورهای درحال توسعه غنی و کمتر از یک دلار به سمت کشورهای فقیر سرانیز شده است. محبوب‌الحق، کارمند برنامه توسعه سازمان ملل و یکی از منتقدین نحوه توزیع کمکها می‌گوید: ده کشوری که  $\frac{1}{2}$  از فقیرترین جمعیت جهان را دارند تنها  $\frac{1}{2}$  کمک جهانی را دریافت می‌کنند.

در همین راستا، در کشورهای فقیر نیز کمک به سمت خدمات موردنیاز قشر فقیر هدایت نمی‌شود. بنابر آمار بانک جهانی، از کمکهای که در سال ۱۹۸۸ به کشورهای کم‌درآمد اعطاء شد، تنها ۲٪ صرف بهداشت عمومی و ۱٪ صرف برنامه‌های جمعیتی گردید. حتی کمکی که صرف بهداشت و آموزش می‌شود، نهایتاً نیازهای قشر مرفه‌تر را مرتفع می‌سازد. کمکهای بهداشتی به سمت بیمارستانها سرانیز می‌شود (در سال ۸۹-۱۹۸۸، ۳۳٪ کمک دوجانبه ژاپن صرف ایجاد بیمارستانها شد). کمک در زمینه آموزش نیز به دانشگاهها راه می‌یابد. در صحرائ آفریقا، در دهه ۱۹۸۰ تنها یک دلار از «کمک به توسعه رسمی» به محصلین دبستانی، ۱۱ دلار به محصلین دبیرستانی، و ۵۷۵ دلار به دانشجویان دانشگاهی رسید.

این الگوهای هزینه، نمایانگر اولویتهای دول دریافت‌کننده کمکها است. برخی از اهداءکنندگان کمکها کوشیده‌اند دولتها را درخصوص تغییر الگوی هزینه کمکها قانع کنند. اما بعضاً موفق نشده‌اند، چراکه خود اهدافی به غیر از نابودی فقر را دنبال می‌کنند.

یکی از این اهداف، حتی در دوران بعد از جنگ سرد، تعقیب منافع ملی است. اکثر دول اهمیت منافع ملی در تعیین بودجه‌های کمک را ناچیز جلوه می‌دهند. اما عمده‌ترین اهداءکننده کمک، یعنی ایالات متحده، چیزی را پنهان نمی‌سازد:  $\frac{1}{4}$  از ۲۴ میلیارد دلار بودجه کمکی شکل تسلیحاتی دارد و  $\frac{1}{4}$  کل بودجه به سمت اسرائیل و مصر سرانیز می‌شود. «جان سوتل» از شورای توسعه جهانی اذعان دارد، «ایالات متحده بیشتر پول خود را صرف اهداف سیاسی و نظامی می‌کند تا توسعه‌ای». امسال هم سهام اسرائیل و مصر در بودجه کمکی ایالات متحده کنار گذاشته شده است. این کشور، همچنین، کمک به اروپای شرقی و جمهوریهای شوروی سابق را از دریچه استراتژیک ارزیابی می‌کند.



در تعیین بودجه‌های کمکی، «امنیت ملی» به مثابه توجیهی برای پراهمیت جلوه‌دادن سایر اهداف نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرفداران حفظ محیط زیست مدعی هستند که رشد کشورهای فقیر موجب صدماتی از قبیل گرم شدن هوا و یا نازک شدن لایه اوزون خواهد شد و به همین لحاظ کشورهای ثروتمند می‌باید این قبیل ریسکها را کاهش دهند. برخی دیگر نیز می‌گویند، این کمکها می‌تواند برای دفع شر و تهدید کشورهای فقیر در زمینه‌هایی همچون تجارت موادمخدر، رشد جمعیت و فقر به کارگرفته شود. اگر «امنیت ملی» تا بدین میزان با اهداء کمک تناقض پیدا کند، پس منافع تجاری کشورهای ثروتمند حتماً به نوبه خود ایجاد مسئله خواهدکرد. لاقابل برخورد ژاپن در این زمینه صادقانه‌تر است، چون تنها به کشورهایی کمک می‌کند که در آینده به صورت مشتری‌اش درخواست خواهند. تمام کشورهای عضو سازمان توسعه اقتصادی اروپا به از کمکها به صورت خرید خدمات و کالا را الزامی ساخته‌اند. این امر باعث شده که کشورهای دریافت‌کننده کمک، خدمات و کالاهای مزبور را ۱۵٪ گرانتر بخرند، مضافاً بر اینکه اولویتهای توسعه آنها مخدوش می‌شود. برای کشورهای ثروتمند الزامی ساختن طرحهای سنگین سرمایه‌بر از قبیل احداث سد، جاده یا بیمارستان راحت‌تر از برنامه‌های محدود در سطح روستاها است که احتمالاً مفیدتر است. جای تعجب ندارد که مواردی از قبیل حمل و نقل، تولید نیرو و پروژه‌های ارتباطی از دیدگاه کشورهای ثروتمند اولویت بیشتری داشته باشد.

بنابراین اظهارات سازمان توسعه اقتصادی اروپا، میزان کمکهای مشروط در چارچوب برنامه‌های «کمک به توسعه رسمی» کاهش یافته است. افزایش کمک در زمینه فجایع محیط زیستی می‌تواند یکی از عوامل این امر باشد. در عین حال شاید تفاهم بین‌المللی درخصوص چارچوبی برای اهداء کمک مشروط پدیدآمده باشد. اما دولتها سرانجام راهی برای استفاده از کمکها در جهت افزایش صادراتشان پیدا خواهندکرد. به طورمثال، دو بررسی رسمی حاکی است که کمک انگلستان به مالزی با فروش تسلیحات انگلیسی به آن کشور ارتباط داشته است.

در برخی موارد «کمک به توسعه رسمی» با این آگاهی اعطاء می‌شود که کل پول در کشور اهداءکننده کمک خرج خواهدشد. یکی از این موارد کمک فنی یا تکنیکی است. هر ساله از ۱۲ میلیارد دلاری که صرف خرید مشاوره، آموزش و طراحی پروژه می‌شود، ۹۰٪ خرج مشاورین خارجی می‌شود. نیمی از کل کمکهای فنی به سمت آفریقا سرانیز می‌شود که به گفته آقای محبوب‌الحق «بیشتر از هر قاره دیگری مشورت بد دریافت داشته است». اکثر صاحب‌نظران کمک فنی را ازجمله ناموفق‌ترین روش‌های توسعه برشمرده‌اند.

در پی اعمال فشار از جانب لابی‌ها، برخی از دولتها به دنبال جمع‌آوری پول بیشتر از طریق نهادهایی از قبیل خیریه‌ها و کلیساها بوده‌اند. این نهادها، که «سازمانهای غیردولتی» نیز نامیده می‌شوند، در جهان پیشرفته و درحال توسعه رشد شایان توجهی کرده‌اند. در سال ۱۹۹۰، رقم این سازمانها در ۲۴ کشور عضو سازمان توسعه اقتصادی اروپا به ۲۵۴۲ (در مقایسه با رقم ۱۶۰۳ در سال ۱۹۸۰) رسید. رشد این سازمانها در جنوب سریعتر بوده است. به گفته «راجریدل» از انستیتوی توسعه خارجی در لندن، نرخ رشد این سازمانها به مرز انفجار رسیده است و تنها در ایالت تامیل نادو (هندوستان) ۲۵ هزار سازمان محلی وجود دارد. در سال ۱۹۹۰، کمک نقدی این سازمانها ۱۳٪ از کل برنامه «کمک به توسعه رسمی» را تشکیل می‌داد و این سهم درحال افزایش است.

در مقایسه با دولتها، این قبیل سازمانها به پروژه‌های کوچکتر و نیازهای مردم محلی توجه بیشتری نشان خواهندداد. با این وجود بنابر نظر آقای ریدل، این سازمانها اغلب قادر به مرتفع ساختن نیازهای فقیرترین قشرها نیستند. اگر

برنامه‌های دولتی و رسمی ۲۰٪ از کم درآمدترین اقشار را پوشش ندهد، این نرخ در مورد سازمانهای غیردولتی ۵ الی ۱۰ درصد است. با افزایش جریان کمک از کانالهای این قبیل سازمانها، مشکل بتوان عنصر مشارکت مردم در سطح محلی را که عمده‌ترین نقطه قوت محسوب می‌شود، حفظ کرد. باید در مورد میزان کارایی این سازمانها در زمینه عملکرد و دسترسی به اهداف تحقیقات بیشتری به عمل آورد. مطالعه در مورد پروژه‌های بنیادفورد در آفریقا ظرف دهه ۱۹۸۰ حاکی است «موفقیت چندانی، به ویژه در مراحل بعد از کمک، در کار نبوده است».

به دنبال رشد سازمانهای اهدای کمک پس از جنگ جهانی دوم، هدف اصلی ترغیب رشد اقتصادی، و نه ریشه کن ساختن فقر، در کشورهای فقیر اعلام شده بود. کمک به مثابه سکوی پرتاب اقتصاد این کشورها به سمت شکوفایی تلقی می‌شد. کاربرد آن در جبران کمبود سرمایه و ارز خلاصه می‌شد، به نحوی که سرمایه‌گذاری موجب رشد مداوم شود.

اما، واقعیت به گونه‌ای آشکار برخلاف این پیش‌فرضها سیر کرده است. در بسیاری از کشورهایی که بالاترین میزان کمک را دریافت داشته‌اند و از بالاترین نرخ سرمایه‌گذاری برخوردار بوده‌اند، میزان رشد بسیار ناچیز بوده است. در سال ۱۹۸۸، لائوس برای ۴۷ کشور، کمک تنها ۵٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌داد، بسیاری از این کشورها در صحرای آفریقا بوده‌اند، جایی که نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی به مدت ۲۵ سال ثابت باقی مانده است. با این وجود و به گفته دیوید لینداور و مایکل رومر از انستیتوی توسعه بین‌المللی هاروارد، نرخ سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی در برخی از این کشورها با کشورهای آسیای جنوب شرقی برابری می‌کرده است: کامرون، ساحل عاج، کنیا، تانزانیا و زامبیا همه ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی را سرمایه‌گذاری کرده‌اند، رقمی که با میزان سرمایه‌گذاری اندونزی و یا تایلند برابری می‌کند.

این نوع مقایسه‌ها چیز زیادی را ثابت نمی‌کند، اما می‌تواند به یک نتیجه‌گیری غیرعادی منجر شود. برخی از کشورهای جهان سوم، علی‌رغم دریافت میزان ناچیز کمک، رشد اقتصادی چشمگیری داشته‌اند. به‌ویژه، برخی از موارد بسیار موفق همچون چین و ویتنام زمانی که پول‌ها به سمت آفریقا سرازیر می‌شد تقریباً هیچگونه کمکی دریافت نداشتند (اگرچه امروزه

چین عمده‌ترین مشتری بانک جهانی محسوب می‌شود). اگر برخی از کشورها بتوانند بدون دریافت کمک رشد کنند و دیگر کشورها علی‌رغم دریافت کمک درجا بزنند، پس فلسفه کمک چیست؟

برای پاسخ به این سوال شاید بتوان تجربه هر یک از کشورها و برنامه‌های اعطای کمک را بررسی کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ دو کوشش ارزشمند در این راستا صورت گرفت: یک مورد آن نوسط گروهی به رهبری آقای کاسن و دیگری در سطحی محدودتر توسط آقای ریدل. گروه آقای کاسن استدلال کرد که «اغلب کمکها از لحاظ اهداف موفقیت‌آمیز است، اما بخش قابل توجهی از آن شکست می‌خورد». سیاست اعطای کمک در آفریقا موفقیت‌آمیز نبوده، اما در آسیای جنوبی بهتر عمل کرده است. در موارد شکست، علت در عدم فراگیری از اشتباهات گذشته و یا عدم استفاده بهینه از کمکهای دریافتی بوده است. در مورد تاثیر کمکها بر رشد اقتصادی آقای کاسن محتاطانه نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان گفت



● در بسیاری از کشورهایی که بالاترین میزان کمک را دریافت داشته‌اند، میزان رشد بسیار ناچیز بوده است.  
○ اگر کشورهای غنی حاضر نشوند ظرف ۳۰ سال آینده به کشورهای فقیر ۱/۴ تریلیون دلار اعطاء کنند، آیا این گروه از کشورها با مشکل مواجه نخواهند شد.

که کمکها هیچگونه فایده‌ای ندارند. در برخی از کشورها شواهدی مبنی بر تاثیر مثبت آن بر رشد وجود داشته است. لحن آقای ریدل نیز به همین میزان تردیدآلود است. وی می‌گوید: «کمک می‌تواند بطور مستقیم و غیرمستقیم در ریشه کن کردن فقر موثر باشد. شواهد موجود نشان نمی‌دهد که راه‌حل‌های دیگر عملاً سطح زندگی فقرا را در مقایسه با برنامه‌های اعطای کمک، بهبود داده باشد».

بدیهی است که نمی‌توان این اظهارات را صددرصد تأیید کرد. اما این قبیل ارزیابی‌ها از برنامه‌های اعطای کمک بی‌آمدهای مثبت‌تری از ایجاد ارتباط بین کمکها و رشد اقتصادی دربر دارد. بسیاری از اقتصاددانان رابطه علی بین سرمایه‌گذاری و کمک‌های خارجی را قبول ندارند. آنها معتقدند که دولت‌ها کمکها را مستمسک قرار می‌دهند تا بدین طریق درآمدهای مالیاتی را صرف پروژه‌های زیان‌آور کنند.

سایر اقتصاددانان، از قبیل هاروارد وایت از انستیتوی مطالعات اجتماعی لاهه، عنوان می‌دارند که می‌باید از کلی‌گرایی و تعمیم نتیجه‌گیری‌ها دوری کرد. با توجه به حجم انتقالاتی که «کمک مالی» قلمداد می‌شود، شرایطی که اهداءکنندگان قائل می‌شوند، نقش متفاوت کمک‌ها در اقتصادهای مختلف و پیچیدگی رشد اقتصادی، به سختی بتوان در مورد میزان موفقیت این کمک‌ها استدلال کرد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ بسیاری از اهداءکنندگان کمک‌ها، بر کیفیت مدیریت اقتصادی کشورها تأکید کرده‌اند. در همان دهه بانک جهانی از این کمک‌ها استفاده می‌کرد تا کشورها را تشویق به اتخاذ برنامه‌های «تطبیق ساختاری» کند. در برخی موارد عملکرد اقتصادی کشورها بهبود یافت. اما همیشه این‌طور نبود. مطالعات به عمل آمده توسط صندوق بین‌المللی پول حاکی است: در ۱۹ کشور کم‌درآمد که سیاست «تطبیق ساختاری» را اتخاذ کرده‌اند، نرخ کسری حسابهای جاری از ۱۲/۳٪ به ۱۶/۸٪ افزایش یافته و بدهی خارجی آنها از ۴۵۱٪ صادرات به ۴۸۲٪ رسیده است.

علت چه بوده است؟ آیا این کشورها سیاست غلط را اتخاذ کردند؟ و یا این کمک‌های دریافتی بود که صدمه زد؟ استفان دو ویلدر، اقتصاددان سوئدی، خطاب به یک کنفرانس در استکهلم در ماه مارس ابراز داشت که در واقع این کمک‌ها

# مدیر و سیستم‌های خبره

از: سید محمدرضا طباطبائی

اشاره:

مقاله‌ای که در پی می‌آید ابتدا به تعریف سیستم خبره می‌پردازد سپس سابقه آنرا تشریح می‌کند و پس از این بحث وارد ساختار این سیستم شده و آنگاه ضمن برشمردن انواع سیستم‌های خبره، مزایای این سیستم‌ها را تبیین می‌کند.

افزون بر این، مشکلات سیستم‌های خبره و ابزار ایجاد آنها نیز بخش‌های دیگر این مقاله را تشکیل می‌دهند. با هم می‌خوانیم.

در حال حاضر تعریف پذیرفته شده‌ای برای «سیستم خبره»<sup>(۱)</sup> وجود ندارد و آنرا برای مفاهیم مختلفی بکار می‌برند. ولی نمی‌توان تعریف علمی زیر را برای آن ارائه کرد.

«یک سیستم مبتنی بر کامپیوتر، که دانش کارشناسی در آن ذخیره شده و فرد استفاده کننده می‌تواند از دانش کارشناسی آن مثل مشاوره با افراد خبره و با نتایجی مشابه آن، استفاده کند.»

## سابقه سیستم خبره

هرچند تحقیق در مورد سیستم‌های خبره سابقه ۲۴ ساله دارد، ایجاد سیستم‌های خبره همگانی به اوایل دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. در ابتدا این سیستم‌ها صرفاً جنبه فنی داشته و در زمینه تاسیسات کامپیوتری بکار می‌رفتند. به‌طور نمونه می‌توان به XCON، DRAGON اشاره کرد. پیدایش سیستم‌های خبره عمدتاً ناشی از تحقیق روی هوش مصنوعی (AI) است و پژوهشگران هوش مصنوعی بیشتر در زمینه‌هایی نظیر ردیابی، حل مساله، استدلال منطقی، عملیات روی زبان، آموزش، علم روباتها، بینایی و خبرگی کار می‌کنند.

از اولین کاربردهای علمی این تحقیقات، ایجاد سیستم‌های خبره و روباتها است. تحقیقات

زیان‌آورند. وی استدلال کرد که حجم بالای کمکهای اقتصادی (همانند کمکهایی که به شرط تطبیق ساختاری اعطاء می‌شود) می‌تواند قابلیت رقابت کشورها را در صحنه بین‌المللی سلب کند، و به کشورهایی که سابقه خوب صادراتی ندارند قاعدتاً وام‌هایی با نرخ بهره پایین اعطاء می‌شود. صدمه به قابلیت رقابتی منجر به وضعیتی موسوم به «بیماری هلندی» می‌شود: در دهه ۱۹۷۰ این عبارت بر سر زبانها افتاد - صادرات گاز طبیعی هلند نرخ واقعی ارز را افزایش داد، اما به قابلیت صادرات این کشور صدمه زد.

آقای ویلدر معتقد است که بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۸ اتفاق مشابهی در سریلانکا رخ داد و افزایش بی‌سابقه کمکها بین نرخ واقعی و مصنوعی ارز فاصله انداخت. این امر به صادرات این کشور صدمه زیادی وارد آورد.

آقای دوویلدر همچنین معتقد است که کمکها بیشتر جبران‌کننده شکست‌ها هستند تا مشوق موفقیت. بسیاری از اهداءکنندگان کمک دریافته‌اند که کمکهای مالی متأسفانه صرف بازپس‌دهی وام به سازمانهای بین‌المللی می‌شود. بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۷ زامبیا هفت تفاهم‌نامه ساختاری را با صندوق بین‌المللی پول به امضاء رساند (هر دو سال یکبار). هر بار دولت زامبیا تفاهم‌نامه را لغو کرد. در سال ۱۹۸۷ هنگامی که آقای دوویلدر جهت بررسی علل مسائل اقتصادی به زامبیا سفر کرد، از یکی از وزرا درمورد احتمال دریافت جواب منفی از کمک‌کنندگان جويا شد. وزیر پاسخ داد: «ما نگران نیستیم، هر بار که رفته‌اند خودشان بازگشته‌اند». او حق داشت، چرا که به گفته آقای دوویلدر طولی نکشید که سازمانهای مالی مجدداً درخواست کردند تفاهم‌نامه جدیدی امضاء شود. البته مواردی از موفقیت در پروژه‌های کوچک مشاهده شده است. اغلب صاحب‌نظران معتقدند که در صورت بهبود کیفیت - یعنی درس گرفتن از اشتباهات گذشته، اهمیت ندادن به منافع تجاری، تمرکز بر نیازهای انسانی - برنامه‌های اعطای کمک شاهد شکست کمتری خواهد بود. همه این صحبتها حقیقت دارد، اما در چنین صورتی دیگر نیازی به کمک هم نخواهد بود. اگر کشورهای غنی حاضر نشوند ظرف ۳۰ سال آینده به کشورهای فقیر ۱/۴ تریلیون دلار اعطاء کنند، آیا این گروه از کشورها با مشکل مواجه خواهند شد؟ باتوجه به مقدار پول، جواب صددرصد مثبت است و با توجه به نحوه عملکرد برنامه‌های اهدای کمک فقط می‌توان گفت: «شاید».

ژاپنی‌ها روی کامپیوترهای نسل پنجم هم بر مبنای سیستم‌های مبتنی بر دانش استوار بود.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ بازار سیستم‌های خبره رشد کرد و تعداد سیستم‌های خبره عرضه شده از رقم ۶۰ گذشت. تدریجاً سیستم‌های خبره در زمینه‌های مدیریتی و مالی و حسابداری نیز به کار گرفته شد و روزبه روز بر کاربرد آنها افزوده می‌شود. این سیستم‌ها در زمینه‌های مالی، حسابداری و مالیاتی کمک زیادی به افراد کم‌تجربه کرده و در برخی موارد تحلیل به کمک نسبت‌های مالی را انجام می‌دهند و عملکرد شرکت را بر آن مبنای پیش‌بینی می‌کنند. سیستم‌های خبره ارتباط نزدیکی با سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS)<sup>(۲)</sup> دارند که ذیلاً وجوه ارتباط و تمایز آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیستم‌های خبره براساس «معرفت» استوارند، در حالیکه سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری بر «داده‌ها» تمرکز دارند.

گروهی سیستم‌های خبره را زیر مجموعه سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری می‌دانند.

همچنین تفاوت این دو را در میزان کمک سیستم به تصمیم‌گیری می‌دانند، که در سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری بالاتر است. به نظر برخی تفاوت این دو در نحوه کاربرد است که در مورد سیستم‌های پشتیبان، کاربرد تجاری مطرح است و در سیستم‌های خبره، کاربرد پژوهشی است.

هرچند سیستم‌های خبره در حوزه‌های علمی با ساختار مشخص کاربرد بیشتری دارند، ولی در زمینه‌های مدیریتی نیز در حوزه‌های زیر کاربرد زیادی یافته‌اند. رویهم رفته اختلافات این دو نیستیم بیشتر کاربردی است تا ساختاری:

- تخصیص منابع، به‌ویژه تخصیص منابع مالی به مصارف مختلف، تحقیق و توسعه یا پروژه‌های خاص.